



”

دورانی که ما دانش‌آموز بودیم تلویزیون وجود نداشت، رادیو هم خیلی کم بود. در نتیجه علم‌مان هم نسبت به دنیای بیرون و امکاناتی که در آینده می‌شود به آن دست پیدا کرد کم بود. معلم و دکتر را می‌شناختیم، یعنی اگر سؤال می‌کردند چه کاره شوید اوجش خلاصه‌اش انتخاب یکی از این سه شغل بود

طریق تلاش خودشان به دست می‌آید. ولی یکجایی هم تعریفی برای تو شده که اگر تلاش کنی باید به آنجا برسی.

جایگاه رشته‌تان در آن روزها چگونه بود؟

زمانی که من شروع کردم بیوتکنولوژی در اوج خودش بود. سال ۶۲ که من فارغ‌التحصیل شدم همزمان بود با دورانی که دو داروی بزرگ بیوتکنولوژی تولید شده بودند. داروی انسولین برای بیماران دیابتی و هورمون رشد برای افرادی که کوتاه‌قد هستند. در واقع همان سال‌ها که اوج تولید و دستیابی به داروهای بیوتکنولوژی بود من وارد آمریکا شدم و همین رشته را ادامه دادم. البته بورسیه دولت ایران بودم. خاطرنشان می‌کنم من نفر دوم کلاسمان بودم. به دانشجویهای ۱۰ درصد اول اجازه بورسیه شدن در خارج می‌دادند. به همین جهت من هم شامل بورسیه شدم. آن دوران مشکلات نقل و انتقالات پولی وجود داشت بنابراین همزمان با درس در راستای تأمین معاش و فعالیت‌های علمی با سعی و کوشش زیاد توانستم در آزمایشگاهی هم مشغول کار شوم و هم حقوقی دریافت کنم. از طرفی چون معدلم خوب بود همان سال اول دوره دکتری بورسیه دانشگاه شدم. به این ترتیب بخشی از هزینه زندگی‌ام از این طریق تأمین می‌شد. باید اضافه کنم که خوشبختانه همسرم دکتر خیری نیز برای دوره دکترای رشته ویروس‌شناسی از همان دانشگاه پذیرش گرفت. ایشان هم درآمدی همانند من داشت لذا گذران زندگی خوب دانشجویی داشتیم با توجه به این شرایط باز هم توانستم در وقت مناسبی درس را تمام کنم.

دلیل برگشتن‌تان به ایران چه بود؟

قبلاً عرض کردم آموزشی که دوران کودکی به ما داده می‌شد بر این اساس بود که تو متعلق به خانواده خودت و شخص خودت نیستی. ما مثالی ایلی داریم. می‌گوییم «کسی که در سال سختی و قحطی بتواند یک ایلی را در ببرد هنر

آن روزها فکر می‌کردید در آینده قرار است چه کاره شوید؟

دورانی که ما دانش‌آموز بودیم تلویزیون وجود نداشت. رادیو هم خیلی کم بود. در نتیجه علم‌مان هم نسبت به دنیای بیرون و امکاناتی که در آینده می‌شود به آن دست پیدا کرد کم بود. معلم و مهندس و دکتر را می‌شناختیم، یعنی اگر سؤال می‌کردند می‌خواهید چه کاره شوید اوجش و خلاصه‌اش انتخاب یکی از این سه شغل بود. من هم دنبال مهندسی بودم. ولی سراز گروه پزشکی درآوردم. وارد دانشگاه شیراز شدم. رشته تکنولوژی پزشکی خواندم. بعد از طی دوره دکترایم در رشته ایمنی‌شناسی مولکولی در آمریکا، به دانشگاه علوم پزشکی شیراز برگشتم و عضو هیأت علمی آنجا بودم.

دلیل انتخاب این رشته چه بود؟

من اعتقاد دارم سرنوشت انسان‌ها از

